



سه شنبه 18 بهمن 15 ربیع الاول 7 فوریه

سریه حمزة بن عبدالمطلب (ع) در سال دوم هجری ...

سریه حمزة بن عبدالمطلب (ع) در سال دوم هجری

پیامبر اکرم (ص) پس از استقرار در مدینه منوره و تشکیل حکومت اسلامی، بر آن شد که دین اسلام را در سایر نقاط عربستان گسترش دهد و عرب‌های شهرنشین، روستانشین و بیابان‌گرد را با این پدیده‌های بخش آشنا گرداند. ولی وجود طایفه بزرگ قریش و متعصبان مکه و دشمنی‌های آشکار و پنهان آنان بر ضد پیامبر (ص) و مسلمانان مهاجر و انصار، هرگونه فعالیت‌های تبلیغی پیامبر اکرم (ص) را با مشکلات فراوان روبرو می‌کرد.

پیامبر (ص) در برابر دشمنی‌های آنان، اقدام به رزمایش‌های نظامی و قدرتی نمود. آن حضرت، برای نخستین بار، عموی خود، "حمزة بن عبدالمطلب (ع)" را در رأس سی نفر از رزمندگان اسلام به سوی ساحل دریای سرخ، محل عبور کاروان بازرگانی قریش اعزام کرد. رزمندگان مسلمان در دو دسته 15 نفری، که دسته‌ای به مهاجران و دسته‌ای دیگر به انصار مدینه تعلق داشت، تنظیم یافته بودند.

آنان به ساحل دریا رسیده و در آن جا با سیصد تن از بازرگانان مکه، به سرپرستی "ابوجهل" که از شام به مکه بر می‌گشتند، روبرو شدند. مسلمانان آماده نبرد با کفار قریش شده و قصد مصادره دارایی‌های آنان را نمودند. ولی یکی از سرشناسان عرب، به نام "مجدی بن عمرو" که هم با مسلمانان و هم با قریش هم پیمان بود، پا در میانی کرد و با تلاش‌های فراوان خویش، از وقوع نبرد میان دو طرف جلوگیری کرد و هرکدام از آن دو گروه را به سوی شهرشان هدایت نمود. بدین جهت، ابوجهل و بازرگانان قریش، به سوی مکه و حمزة بن عبدالمطلب (ع) و سایر رزمندگان مسلمان اعزام مدینه گردیدند و پیامبر اسلام (ص) از این ماجرا آگاه نمودند و پیامبر (ص) از کردار آنان اظهار خرسندی فرمود.

هلاکت یزید بن معاویه در سال 64 هجری قمری

یزید، فرزند معاویه بن ابی سفیان در سال 25، یا 26 و یا 27 قمری از زنی به نام "میسون بنت مخول" زاییده شد و پس از هلاکت پدرش معاویه در رجب سال 60 هجری قمری، بنا به سفارش وی به حکومت رسید.

وی، جوانی خام، بی‌مبالات، هوسران و ستمگر بود و چون در دربار معاویه و در کمال ناز و نعمت پروریده شده بود، هیچ گونه شایستگی خلافت و حکومت مسلمانان را نداشت و همیشه از دستیاران پدرش که بعضاً غیر مسلمان بوده و در دستگاه وی نفوذ عمیقی داشتند، پیروی می‌کرد و از این بابت خسارت‌های مادی و معنوی فراوانی بر خلافت اسلامی وارد آورد.

حکومت وی که بیش از سه سال و اندی ادامه نیافت، بدعت‌ها و جنایت‌های زیادی را مرتکب گردید.

وی به طور آشکارا شراب می‌نوشید، با سگ و بوزینه همبازی بود و برای صحابه و ریش سفیدان امت، احترامی قائل نمی‌شد. به دستور ستمگرانه وی، در محرم سال 61 هجری قمری "امام حسین (ع)" و یاران و همراهانش را در بیابان کربلا به شهادت رسانیده و بازماندگان را اسیر نمودند. هم چنین در سال 63 قمری، قیام مردمی اهالی مدینه به رهبری "عبدالله بن حنظله" را سرکوب و کشتار عظیمی در مدینه به سرکردگی "مسلم بن عقبه" به راه انداخت و لشکریان او در این واقعه، که معروف به "واقعه حره" می‌باشد، جنایات بی‌شماری مرتکب گردیدند. پس از سرکوب اهالی مدینه، به سوی مکه لشکرکشی نموده و قصد تکرار جنایات خویش در حرم امن الهی را نمودند ولی "عبدالله بن زبیر" که در این شهر مقدس پناه گرفته و بر ضد یزید قیام کرده بود، در برابر هجوم سپاهیان وی مقاومت سختی نمود. سپاهیان یزید که توان گشایش درهای مکه را در خود ندیده بودند، در بلندی‌های اطراف مکه، موضع گرفته و خانه‌های مردم و حتی کعبه و مسجد الحرام را با منجنیق بلند، به سنگ و آتش بستند و تعداد زیادی را کشته و خانه‌های مردم و از جمله خانه خدا را به آتش کشیدند.

در همین هنگام، اجل یزید فرا رسید و مرگ زودرس، وی را در کام خویش گرفت و به زندگی جنایت کارانه‌اش پایان داد.

هلاکت وی مصادف بود با روز پنجشنبه، پانزدهم ربیع الاول سال 64 قمری. در آن هنگام "حصین بن نمیر" سرگرم مبارزه با عبدالله بن زبیر بود و پس از آگاهی از هلاکت یزید، بناچار دست از هجوم مکه برداشت و با سرافکنندگی تمام به سوی شام برگشت. مرگ زید و

عقب نشینی سپاهیان وی از مکه، موجب تقویت عبدالله بن زبیر و تشکیل حکومت وی در حجاز، عراق و سایر مناطق عربستان گردید.

خلافت معاویه دوّم اموی در سال 64 هجری قمری

معاویه پسر یزید بن معاویه در حدود سال‌های 39 تا 44 قمری، از زنی به نام "امّ هاشم بنت اُبی هاشم بن عتبّه اموی" زاییده شد و جدش معاویه بن اُبی سفیان که در آن زمان، زنده و در رأس حکومت بود، نام خود را برای وی برگزید و او را به "معاویه دوّم" موسوم نمود.

معاویه دوّم، با این که در دستگاه جنایت کارانه اموی رشد و تربیت یافته بود، با این حال اهل فتنه و فساد نبود و برای اشباع هواهای نفسانی و دست یابی به مطامع دنیوی، رغبت چندانی از خود نشان نمی‌داد.

وی، ولی عهد پدرش یزید بن معاویه بود. بدین جهت، پس از هلاکت یزید در 15 ربیع الاوّل سال 64 قمری به خلافت برگزیده شد و اهالی شام با وی بیعت نمودند.

خلافت وی، چندان دوام نیافت و او تنها بیست روز، یا چهل روز، یا یک ماه و نیم، یا سه ماه و بیست روز، و یا حداکثر چهار ماه در این مقام بیشتر باقی نماند و معروف است که خلافت وی، تنها چهل روز بود.

به هر روی، معاویه دوّم بدون اجبار و اکراهی، از مقام خلافت استعفا داد و خود را از این مهلکه نجات داد.

درباره علت و انگیزه اصلی کناره‌گیری وی، دیدگاه گوناگونی بیان شده است. برخی از تاریخ نگاران معروف اهل سنت که از کناره‌گیری وی ناخرسند بوده و این کار وی را ناپسند می‌دانستند، در بیان این رویداد بزرگ، صرفاً به ذکر تاریخ آن بسنده کرده و چیزی درباره انگیزه آن بیان نکردند و یا آن‌هایی که می‌خواستند در این باره نظری بدهند، انگیزه اصلی کار وی را ضعف جسمی و بیماری وی برشمردند. به هر صورت، واقعیت‌های این ماجرا را بیان نکردند.

ولی از برخی گفتارشان به دست می‌آید که وی خود را شایسته خلافت نمی‌دید و اساساً بنی امیه را لایق این مقام نمی‌دانست و در دیدگاه او، تصدّی خلافت از سوی آنان، غضب خلافت بود و این مقام باید به صاحبان حقیقی‌اش می‌رسید.

بدین جهت، هنگامی که مرگش فرا رسید، درباریان و بزرگان بنی امیه از او درخواست کردند که وی جانشینی برای خویش تعیین کند تا پس از مرگ وی، مردم با او بیعت کنند، ولی وی در پاسخشان گفت: لا اُتُود مرارتها الی آخرتی و اُتُرك حلاوتها لبنی امیه؛ من از تحمل و سختی آن چیزی برای آخرتم ذخیره نکردم و شیرینی (دنیوی) آن را برای بنی امیه وا می‌گذارم.

معاویه دوّم در ایّامی که در مقام خلافت بود، کمتر در میان مردم می‌آمد و در اجتماعات و گردهمایی‌های آنان آشکار می‌شد و بیشتر در خانه می‌نشست و عزلت و خانه نشینی را ترجیح می‌داد.

"ضحاک بن قیس" که از یاران معاویه بن اُبی سفیان و فرزندش یزید بود و در خلافت معاویه دوّم، مقام جانشینی خلیفه را بر عهده داشت، به جای وی در میان مردم می‌آمد و برای آنان نماز می‌خواند و به رتق و فتق امور می‌پرداخت. سرانجام مرگ معاویه دوّم فرارسید و پس از چندین روز عزلت و خانه نشینی، از این دنیا به سرای دیگر شتافت.

برخی معتقدند که قدرتمندان اموی، وی را مسموم کرده و از میان برداشتند تا زمینه را برای خودکامگی خویش فراهم کنند.

با مرگ وی در بسیاری از مناطق اسلامی آشوب و بلواهایی پدید آمد و سرانجام، " مروان بن حکم" به خلافت رسید و به عنوان چهارمین خلیفه اموی این پست مهم را تصاحب کرد و از این تاریخ، حکومت بنی امیه از تیره سفیانی به تیره مروانی منتقل گردید.

وفات أعمش کوفی در سال 148 هجری قمری

ابو محمد، سلیمان بن مهران، معروف به " أعمش کوفی" در سال 60 و به روایتی در عاشورای سال 61 قمری، روز شهادت حضرت

اباعبدالله الحسین(ع)، دیده به جهان گشود.

پدرش مهران، از اهالی دماوند بود و به کوفه مهاجرت کرد و به روایتی جهت حضور در واقعه کربلا، به کوفه رفت ولی دانسته نشد که برای یاری امام حسین(ع) رفته بود و یا به اجبار حکومت، برای تقویت سپاه عمر بن سعد.

به هر روی، در آن هنگام همسرش حامله بود و پس از رسیدن به کوفه، وضع حمل کرد و اعمش را به دنیا آورد. اعمش از جمله آنانی بود که شش ماهه به دنیا آمد. وی، در کوفه، رشد یافت و از کودکی به یادگیری معارف دینی علاقمند بود.

اعمش، پس از سال‌ها تلاش و جدیت، به مراتب علمی و معنوی بالایی دست یافت و در ردیف دانشمندان درجه اول عالم اسلام قرار گرفت. وی، از عالمان و بزرگانی چون داوود بن سوید، ابووائل، ابراهیم تمیمی، سعید بن جبیر، مجاهد و ابراهیم نخعی، بهره یافت و بسیاری از بزرگان تابعین را دیدار کرد و از آنان کسب فیض نمود.

عالمان و محدثان فراوانی از او نقل حدیث کرده که نام‌های سفیان ثوری، شعبه بن حجاج و حفص بن غیاث نیز در میان آنان دیده می‌شوند. وی، بسیار شوخ طبع بود و در این زمینه، داستان‌های فراوانی از او نقل شده است.

سلیمان بن مهران، به خاطر کم سو بودن دیدگانش و نابینا شدن در اواخر عمرش، به «اعمش»#171 معروف شد.

اعمش کوفی، از نظر اعتقادی، شیعه بود و با دانشمندان غیر شیعی معاصر خود، مانند ابوحنیفه (یکی از پیشوایان مذهبی اهل سنت) مناظره و مباحثه‌هایی به عمل آورد و در ایمان خویش راسخ و استوار ماند. با این حال، بسیاری از دانشمندان و راویان اهل سنت از وی تجلیل کرده و او را ستودند.

وفات اعمش کوفی در 15 ربیع الاول سال 148 و به روایتی 147 و به روایت دیگر، 149 قمری بوده است.

وفات راضی عباسی در سال 329 هجری قمری

احمد بن مقتدر، معروف به "الراضی بالله (بیستمین خلیفه عباسی)" در سال 297 قمری دیده به جهان گشود و در سال 301، پدرش مقتدر عباسی، وی را مقام ولایت عهدی بخشید و در حالی که از عمرش بیش از چهار سال نگذشته بود، امارت مصر و مغرب را به وی واگذار و کارهای او را به دست مونس خادم سپرد.

ولی در آن روزگار، عبیدالله مهدی و سپاهیانش، در شمال افریقا، در دسرها و درگیری‌های فراوانی برای لشکریان "مقتدر عباسی" به فرماندهی "مونس خادم" به وجود آوردند.

مونس خادم که در خلافت عباسی، دارای مقام و جایگاهی مستحکم شده بود، به تدریج با مقتدر عباسی به مخالفت پرداخت و با گردآوری نیرو و ایجاد درگیری خونین با سپاهیان خلیفه، سرانجام در سال 320 قمری وی را در میدان نبرد به قتل آورد و با محمد بن معتضد عباسی بیعت نمود و وی را به «القاهر بالله»#171 ملقب ساخت.

از آن زمان، رخنه‌ای ژرف در خلافت عباسیان پدید آمد و خلفای وقت، از سوی وزرا و سردمداران نظامی و فرماندهان عالی رتبه سپاهی، عزل و نصب می‌شدند.

با قدرت گرفتن برخی از فرماندهان نظامی، مونس خادم، خود اسیر دسیسه‌های آنان گشت و از سوی نیروهای خلیفه، زندانی و سپس کشته شد. قاهر عباسی برای کم کردن قدرت فرماندهان عالی رتبه سپاه، در تعقیب برخی از آنان برآمد، ولی آنان به قصد او آگاهی یافته و خود دست به کار شده و او را مهلت ندادند و در طی یک عملیاتی، وی را دستگیر و زندانی نمودند و هنوز یک سال و نیم از خلافتش نگذشته بود، که عزلش کرده و به جای وی، "ابوالعباس، احمد بن مقتدر عباسی" را به خلافت برگزیدند و وی را به "الراضی بالله" ملقب ساختند. قاهر عباسی، از عزل خویش و بیعت با الراضی بالله، سر بر تافت و به شدت مخالفت نمود. بدین جهت وی را آزار و شکنجه کرده و در نتیجه چشمانش را به میل کشیدند.

در سال 323 قمری، راضی بالله، پسران خود ابوجعفر و ابوالفضل را منشور حکومت مشرق و مغرب داد.

سرانجام در نیمه ربیع الاول سال 329 قمری، راضی بالله عباسی، پس از شش سال و یازده ماه خلافت، وفات یافت.

پس از او، خلافت به برادرش ابراهیم بن مقتدر عباسی معروف به "مقی له" رسید.

آغاز عملیات وسیع والفجر مقدماتی در سال 1361 هجری شمسی

قوای جمهوری اسلامی ایران در سال 1361 هجری شمسی حملات سریع و گسترده خود را به نیروهای دشمن از جنوب فکه و با رمز یا الله، یا الله، یا الله آغاز کرد. این عملیات وسیع که والفجر مقدماتی خوانده شد شروعی برای عملیات پیوسته و ظفرمندانانه جان برکفان بسیجی، سپاهی و ارتشی بود. در این عملیات حدود پنج فروند هواپیمای عراقی منهدم شدند.

آغاز عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه سوسنگرد در سال 1359 هجری شمسی

عملیات محدود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برضد دشمن بعثی- صهیونیستی عراق در منطقه سوسنگرد در سال 1359 هجری شمسی آغاز شد. در این عملیات نیروهای اسلام از چهار محوره دشمن یورش بردند و یک گردان مکانیزه دشمن را منهدم کردند.

صدور دستور خروج عوامل جاسوسی آمریکا در سال 1357 هجری شمسی

در آخرین روزهای حیات رژیم پهلوی در سال 1357 هجری شمسی و در حساس ترین لحظات فروپاشی رژیم طاغوت دولت جهانخوار آمریکا به منظور حفظ جان عوامل جاسوس و توطئه گرویش در ایران دستور خروج همه آنان را صادر کرد. ژنرال هایزرکه روز قبل ایران را ترک کرده بود پس از ورود به واشنگتن به ملاقات کارتر رفت و نتایج جاسوسی هایش را در اختیار او گذاشت. همچنین در همین روز صدها تن از افسران و چند تن از امرای ارتش که سالهای گذشته به علت مخالفت با شاه از ارتش اخراج شده بودند همبستگی خود را با امام امت و مردم انقلابی اعلام کردند و گروهی از افسران مقیم بندرعباس نیز با فرستادن تلگرامهایی وفاداری خود را به حضرت امام خمینی (ره) ابراز کردند.

تولد دیمیتری ایوانوویچ مندلیف دانشمند و شیمیدان روسی در سال 1834 میلادی

دیمیتری ایوانوویچ مندلیف دانشمند و شیمیدان روسی در سال 1834 میلادی متولد شد. او در سال 1849 میلادی عازم مسکو شد و در سن پترزبورگ به تحصیل مشغول شد. مندلیف پس از آن تحصیلاتش را در آلمان و فرانسه ادامه داد و بتدریج به علم شیمی علاقمند شد. این علاقه موجب شد که وی درجه دکتری شیمی را از دانشگاه دریافت کرد. شهرت او بیشتر به سبب تنظیم جدول تناوبی عناصر است که او آنها را برحسب وزن اتمی شان در این جدول گنجانده است. مندلیف ضمن تعیین جای مشخص 63 عنصر شناخته شده تا آن زمان در این جدول مکانهایی نیز برای عناصری در نظر گرفت که در آینده شناخته خواهند شد.

تولد پروفیسور إدوارد براون، محقق و ادیب و مستشرق انگلیسی در سال 1862 میلادی

پروفیسور إدوارد براون، محقق و ادیب و مستشرق انگلیسی در سال 1862 میلادی متولد شد. او در پایان تحصیلاتش ابتدا زبانهای ترکی، فارسی و عربی را آموخت و از همین زمان شیفته زبان و ادبیات فارسی شد. براون مدتی در ایران بسربرد و پس از بازگشت به انگلیس در دانشگاه کمبریج تدریس زبان فارسی را به عهده گرفت. براون وقایع دوران مشروطه را در چندین کتاب و رساله از جمله انقلاب ایران و جراید نوشت. اما مهمترین اثر او تاریخ ادبیات ایران است. همچنین « یک سال در میان ایرانیان و ترجمه تذکره الالباب و تاریخ طبرستان» از آثار پروفیسور إدوارد براون است.

